

۱۲۷۷ به تهران بازگشت و مرجع امور دینی و علمی شد، چنانکه هم‌روزه علما و فقها در مجلس درس او در مدرسه مروی حاضر می‌شدند، از جمله: فرزندش میرزا ابوالفضل تهرانی^۵، سیدحسین صدرالحفاظ قمی، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ عبدالنبی نوری، شیخ حسنعلی تهرانی و شیخ محمدصادق تهرانی بلور (شریف رازی، ص ۲۲۱). وی در اواخر عمر نابینا شد (نامه دانشوران ناصری، ج ۲، ص ۳۶۵) و در ۱۲۹۲ در ۵۶ سالگی درگذشت. او را در مقبره شیخ ابوالفتح رازی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپردند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۶۰).

آثار تهرانی عبارت است از: *التقریرات* که معروفترین کتاب اوست. این کتاب برگرفته از درس اصول شیخ مرتضی انصاری و درباره مباحث الفاظ است و بخشی از آن با عنوان *مطارح الانظار* چاپ شده است (مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۷۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، همانجا)؛ رساله‌های اصولی در موضوعات «حجیت قطع»، «حجیت ظن»، «برائت»، «استصحاب» و «تعادل و تراجم»؛ رساله‌های فقهی در موضوعات طهارت، صلاة، صلاة المسافرين، زکات، غصب، وقف، لُقَطَه، رهن، احياء موات، اجاره و قضا و شهادت که هیچیک از آنها به چاپ نرسیده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، همانجا)؛ رساله‌ای در ارث (نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲۴۲۶)؛ و تقریرات درس اصول شیخ جعفر کرمانشاهی (نسخه خطی کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی، ش ۵۵۳۷).

منابع: محمدحسن آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، جزء ۲: *الکرام البررة*، مشهد ۱۴۰۴؛ محمدشرف رازی، *اختران فروزان ری و طهران*، یا، *تذکرة المقابر فی احوال المفایر*، قم: مکتبه الزهراء، [بی‌تا]؛ مدرس تبریزی؛ نامه دانشوران ناصری، قم: دارالفکر، [۱۳۳۸ ش].

/ ناصرالدین انصاری قمی /

تهرانی، حاج ملاعلی، فقیه و محدث و رجالی امامی

قرن سیزدهم. تهرانی در ۱۲۲۶ در نجف به دنیا آمد. پدرش، حاج میرزا خلیل (متوفی ۱۲۸۰)، بزرگ خاندان خلیلی و از مشهورترین پزشکان روزگار خود بود (حرزالدین، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰). در علوم دینی نیز تحصیل کرده بود و نزد علمایی چون شیخ جعفر کاشف‌الغطا و سید محمد مجاهد، بسیار احترام داشت (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۲؛ آقابزرگ تهرانی، *طبقات: الکرام البررة*، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۰۸). حاج ملاعلی تهرانی علم اصول را نزد محمدحسین اصفهانی حائری (صاحب فصول) و شریف‌العلماء مازندرانی و میرزا جعفر

که در پنج جلد به چاپ رسیده است و *غرر العوائد*، شرح و حاشیه بر *دررالفوائد* شیخ عبدالکریم حائری یزدی از جمله آثار اوست (شریف رازی، همانجا؛ همو، *اختران فروزان*، ص ۲۲۳-۲۲۴). ثقفی در مرداد ۱۳۶۴ درگذشت («به یاد عالم بارع آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی»، ص ۳۴).

منابع: محمدحسن آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، جزء ۱: *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد ۱۴۰۲؛ همو، *مضی المقال فی مصنفی علم الرجال*، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷ ش؛ امین؛ «به یاد عالم بارع آیت‌الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی»، *کیهان فرهنگی*، سال ۲، ش ۵ (مرداد ۱۳۶۴)؛ ابوالفضل بن ابوالقاسم تهرانی، دیوان، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، [تهران] ۱۳۶۹؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج ۶، اصفهان ۱۳۶۲ ش؛ محمد شریف‌رازی، *اختران فروزان ری و طهران*، یا، *تذکرة المقابر فی احوال المفایر*، قم: مکتبه الزهراء، [بی‌تا]؛ همو، *گنجینه دانشمندان*، ج ۴، تهران ۱۳۵۳ ش؛ عباس قمی، *کتاب الکنی و الانقلاب*، صیدا ۱۳۵۷-۱۳۵۸، چاپ افست قم [بی‌تا]؛ مدرس تبریزی؛ *موسوعة مؤلفی الامامیة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۷۸ ش.

/ ناصرالدین انصاری قمی /

تهرانی، ابوالقاسم، فقیه و اصولی شیعی در قرن

سیزدهم. نیای وی، میرزا هادی، تاجر بود که از شهر نور مازندران به تهران مهاجرت کرد. پدر تهرانی، میرزا محمدعلی نیز تاجر و شیفته دانش بود. تهرانی در ۱۲۲۶ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در همانجا گذراند (نامه دانشوران ناصری، ج ۲، ص ۳۶۴). در ۱۲۴۶ همراه عمویش به اصفهان رفت و سه سال به فراگیری مقدمات علوم پرداخت و سپس به تهران بازگشت. در ۱۲۵۱ به عتبات رفت و پس از حدود دو سال اقامت در آنجا، به تهران بازگشت و در مدرسه مروی ساکن شد و علوم عقلی و نقلی را نزد ملا عبداللّه زنوزی و شیخ جعفر کرمانشاهی فراگرفت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۶۹؛ نامه دانشوران ناصری، همانجا). بار دیگر برای تکمیل تحصیلات خود به کربلا رفت و چند سال نزد سیدابراهیم قزوینی، مؤلف *ضوابط الاصول*، درس خواند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۵۹؛ نامه دانشوران ناصری، همانجا)، اما به سبب بروز آشوب در کربلا به اصفهان رفت. پس از آرام شدن اوضاع عراق، به نجف رفت و در جلسات درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و مقرّر بحث او شد، تا جایی که شیخ بارها به درجات علم و فضل و اجتهاد وی تصریح نمود (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۱، ص ۵۹-۶۰). وی در

از: خزائن الاحکام که شرح تلخیص المرام علامه حلی است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲، ج ۷، ص ۱۵۲-۱۵۳، ج ۱۳، ص ۳۷۷)، تلخیص هدایة الناسکین من الحجاج و المعتمرین تألیف محمدحسن نجفی و ترجمه آن به فارسی به درخواست مؤلف (همان، ج ۲۵، ص ۱۹۸، ج ۴، ص ۱۴۶)، غصون الایکة الغریبة فی الاصول الفقهیة (همان، ج ۱۶، ص ۵۸)، شرح مبحث وصیت شرایع الاسلام محقق حلی (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۶)، رساله عملیه با عنوان التبدیه من الاحکام الشرعیة، از باب طهارت تا آخر نماز جماعت (همان، ج ۱۱، ص ۲۱۶، ج ۲۴، ص ۳۷)، القوائد الرجالیة که در باره علم حدیث و رجال است (همان، ج ۱۶، ص ۳۳۸) و محمدباقر تستری بر آن حاشیه نوشته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۸۹-۹۰)، کلیل الهدایة فی علم الدرایة (همو، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۳۵)، حساب العقود در شرح حدیث ایمان حضرت ابوظالب (همان، ج ۷، ص ۱۱)، شرح و حاشیه بر التعلیقة البهبهانیة اثر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۸۷؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۹، ج ۱۲، ص ۱۳۵)، و حاشیه بر منتهی المقال ابوعلی حائری (متوفی ۱۲۱۶) در علم رجال (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۸؛ همو، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۲۰، ۳۹۴).

از برادران ملاعلی، میرزا حسین (تهرانی، ۳، حاج میرزا حسین خلیلی) از فقهای مشهور دوره مشروطه و میرزا حسن و میرزا محمد و میرزا باقر از پزشکان مشهور نجف بودند (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۲؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۰۸).

منابع: محمدحسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۲، الکرام البیرة، مشهد ۱۴۰۴؛ همو، مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷؛ جعفرین باقر آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر ۱۳۶۳؛ محمدهادی امینی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، نجف ۱۹۹۲/۱۴۱۳؛ محمدبن علی حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵؛ عباس قمی، فوائد الرضویة: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [۱۳۳۷؟]؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۸-۱۴۰۷.

/ فریده سعیدی /

تهرانی، حاج میرزا حسین خلیلی، فقیه و مرجع تقلید امامی قرن سیزدهم و چهاردهم و از رهبران روحانی

توسیرکائی و سعیدالعلماء مازندرانی، علم رجال را نزد محمدجعفر استرآبادی، و ریاضیات را نزد شیخ اسماعیل بروجرودی و ابوتراب همدانی و محمدتقی خراسانی فراگرفت. در فقه از محضر صاحب فصول و شیخ علی کاشف الغطاء و محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) بهره برد. همچنین حکمت را نزد ملا اسماعیل اردکانی و ملاکریم کرمانی و ملا عبدالعظیم تهرانی آموخت (امینی، ج ۲، ص ۵۱۷؛ حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ نیز - آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۲۲، ۳۲۵).

تهرانی از علمایی چون صاحب جواهر، ملا احمد نراقی و سیدجواد حسینی عاملی اجازه روایت داشت و برادرش (میرزا حسین) و شیخ محمدحسن مامقانی و سیدحسن صدر و میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک) از او اجازه روایت داشتند (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۵؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۱۹). شاگردان متعددی در محضر او تربیت شدند، از جمله ملا محمدباقر تستری، شیخ علی بن حسین خاقانی، و عبدالحسین حرزالدین (حرزالدین، همانجا؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۱۷، برای دیگر شاگردان - آقابزرگ تهرانی، همان، ستون ۲۰۷، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۷). مقام علمی تهرانی را ستودند تا جایی که یکی از فقهای مشهور، پس از وفات شیخ انصاری، او را اعلم می دانست (- اعتمادالسلطنه، ج ۱، ص ۲۰۰). مؤلف مستدرک الوسائل (ج ۳، ص ۴۰۱) او را «فخر شیعه» و «ذخیره شریعت» خوانده و آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۸) او را شیخ المشایخ اجازه تأخران نامیده است.

تهرانی دارای مجالس وعظ و اندرز بود و هفته ای دو روز در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام به منبر می رفت و در باب مواعظ اخلاقی و فضائل اهل بیت علیهم السلام سخن می گفت (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۳؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰). در منابع، درباره تقوا و زهد او ماجراهایی نقل شده و از تواضع و حسن اخلاق او یاد شده (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ قمی، ص ۲۹۶) و درباره تقید وی به زیارت امام حسین علیه السلام و کرامات او مطالبی آمده است (- نوری، ج ۳، ص ۴۰۲؛ قمی، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۶). تهرانی با علوم غریبه نیز آشنا بود، به تاریخ و اخبار پیشینیان احاطه داشت، حافظ قرآن و بسیاری از دعاها بود و تورات و انجیل را از حفظ می خواند و به زبان عبری نیز آشنا بود. از جمله کارهای او تعمیر آرامگاه میثم تمار بود (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰، ۲۴۲). وی در صفر ۱۲۹۷ در نجف وفات یافت. در سوک او مجالس متعددی برگزار و در رثایش اشعار بسیاری سروده شد (همان، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۶).

آثار مهم تهرانی، که بیشتر در فقه و حدیث است، عبارت اند